



اعتقاد به معراج نبی اکرم(ص) مورد اشتراک فریقین است

اعتقاد به معراج نبی اکرم(ص) مورد اشتراک فریقین است که در شب خاص اسرارآمیز پیامبر به سفری می‌روند از مسجد الحرام به مسجد الاقصی و از آنجا به عالم‌های بالا.

اعتقاد به معراج نبی اکرم(ص) مورد اشتراک فریقین است که در شب خاص اسرارآمیز پیامبر به سفری می‌روند از مسجد الحرام به مسجد الاقصی و از آنجا به عالم‌های بالا.

به گزارش خبرنگار مهر، یکصد و هشتمین جلسه گروه علمی کلام مجمع عالی حکمت اسلامی با موضوع چگونگی وقوع معراج در نگاه اندیشمندان اسلامی با ارائه علیرضا میرزایی، برگزار شد.

در ادامه گزارشی از این نشست را با هم می‌خوانیم:

اعتقاد به معراج نبی اکرم(ص) مورد اشتراک فریقین است که در شب خاص اسرارآمیز پیامبر به سفری می‌روند از مسجد الحرام به مسجد الاقصی و از آنجا به عالم‌های بالا که مشاهدات مختلفی از ملائکه و بهشت و جهنم و ... داشته‌اند. زمان اتفاق افتادن این حادثه بسیار کم بوده است؛ یعنی زمان فیزیکی ناچیزی طی شده است.

دو رویکرد اصلی در این مورد وجود دارد: ۱. جسمانی؛ یعنی جسمانی و روحانی (هر دو با هم) ۲. روحانی بودن

البته اندیشمندان را در این موضوع بر اساس مذهب و ... نمی‌توان تقسیم بندی کرد چون در گروه‌های مختلف مذهبی نظریات مختلف در مورد معراج هست. نظریه روحانی دانستن، شامل گونه‌ها و انواع مختلفی است یکی از این گونه‌ها این است که سیر نبوی در معراج، عقلانی بوده است. در این نظریه اصل را بر قوانین طبیعی و مادی می‌گذارند که بر این اساس چنین قوانینی در معراج هم معتبر بوده و نقض نشده که در سیر پیامبر، عوالم با خرق طبیعت نقض شود بلکه این سیر عقلانی است. تفسیر دیگر از کسانی مانند آلوسی، قتاده و ... است که قائل به تفصیل می‌شوند که معراج تا مسجد الاقصی جسمانی بوده و از آنجا به عوالم دیگر روحانی بوده است که علامه طباطبایی هم اشکالی در این تفصیل ندیده است.

نظریه مشهور همان جسمانی بوده است، بیش از ۸۰ درصد مفسران و محققان این نظر را داده‌اند که پیامبر در خانه و ام‌های در حال خواب بودند که جبرئیل و میکائیل با مرکبی به نام براق می‌آیند و ایشان را سیر می‌دهند به سمت بیت المقدس.

اگر مباحثی مانند عروج، تمثیل، ملکوت در قرآن روشن شود برای روشن شدن بحث معراج کار را آسان خواهد کرد. حرکت با جسم و سوار بر براق شدن به قرینه لفظ (بعده در آیه سبحان الذی اسری بعبدہ لیلًا) در معراج نشان می‌دهد این نظر با ظاهر نصوص سازگارتر است. (نصوص: آیات سوره اسراء و نجم) به احتیاط شرعی و فهم عرفی نزدیک تر است که پیامبر با تمام وجود به این سفر رفته است.

ابن سینا اشکالاتی به این فرض دارد؛ یکی این که جسم عنصری با ثقل و غلظت خود نمی‌تواند چنین سیری داشته باشد و حرکت با چنین سرعتی غیرمتعارف است. اشکال دیگر که در زمان کوتاه حرکت این جسم سنگین با چنین سرعت چگونه ممکن است؟! نکته و دیگر آن که بر اساس امتناع خرق عالم، امکان عبور کردن از اجسام و بین عوالم و فضاها را ممکن ندانسته‌اند. از سوی دیگر موانع و شهاب سنگ‌ها و ... ممکن است موانعی در این برابر این سیر ایجاد کنند.

در پاسخ به این اشکالات باید گفت البته همه این‌ها از امور ممکن است و قدرت خدا به آن تعلق می‌گیرد و اصل در امور معجزه و معراج بر خرق عادت است و حال که مخبر صادق نیز به آن خبر داده اشکالی در این باقی نمی‌ماند. همانطور که در قضیه آصف بن برخیا و انتقال اشیاء با سرعت از راه دور این مسئله اتفاق افتاده است.

اشکالات دیگر بر نظریه مشهور:

۱- تصور حرکت چگونه است آیا عمودی است؟ آیا حرکت و صعود عمودی است و عالم ملکوت در فوق این عالم است که اگر این را بگوییم باعث ورود قید جهت در عالم ملکوت می‌شود؛ و باعث تسری عالم ملک به ملکوت می‌شود؛ و باعث تسری عالم ملکوت به آن تسری می‌شود. دیگر آنکه اگر مرزهای مادی برای عوالم معین و متصور شود و بگوییم این گونه، عبور معراجی اتفاق افتاده است، مشکلاتی پیدا می‌شود؛ یعنی از منظر واقعیت عوالم مختلف این مرزبندی های مادی پذیرفتنی نیست.

۲- تفسیر معاد هم مهم است چون پیامبر در معراج با دیگر انبیاء سخن می‌گویند که در این جا سوال می‌شود با کدام جسم آن‌ها مراد شده است و یا دیدن عذاب و ثواب برخی در معراج که مطرح است این‌ها که هنوز عده زیادی زنده بوده‌اند یا هنوز به دنیا نیامده‌اند، آیا این اتفاقات به اعتبار ما یؤول الیه است یعنی بحث آینده عالم مطرح بوده است چون معاد بعداً واقع می‌شود. در کل چنین مشاهداتی با جسم و بصر مادی نمی‌توانسته باشد. نکته دیگر آن که بر اساس روایات، انسان در همین دنیا هم باشد می‌تواند ملکوت را ببیند و لزومی به عروج عمودی ندارد.

ملکوت را باطن عالم گفته‌اند. از حیث اتصال اشیاء به خداوند، ملکوتی می‌شوند؛ در همین عالم هم سیره و صورت کنار هم قرار گرفته است. پس تصویر مشهور اشکالاتی را باید مورد تأمل قرار دهد.

نظریه برخی دیگر که برای تحلیل معراج، بحث رؤیای پیامبر را مطرح کرده‌اند اشکالاتی دارد یکی این که روایان این موضوع، مخدوش هستند مثلاً یکی از روایان عایشه است، در حالی که عروسی عایشه با پیامبر(ص) بعد از هجرت بوده است، و احادیث اهل سنت هم می‌گویند معراج از خانه‌ام هانی بوده است و عایشه در این بین و جریان معراج در کنار پیامبر(ص) و به عنوان گزارشگر مطرح نبوده است.

ابن‌سینا در رساله معراجیه می‌گوید: معراج عقلانی و فکری بوده است و حالت جسمانی ندارد، البته مفهوم و ماهیت فکر در دیدگاه وی مفهوم خاصی است عارف را (المتصرف بفکره) دانسته است، یعنی فکری که سیر عرفانی دارد و انسان در جریان چنین تفکری در واقع مورد عنایت الهی واقع می‌شود. وی سیر شبانه از مسجد الحرام به مسجد الاقصی را هم بدین صورت قبول ندارد یعنی این که طی مسافت را با این سرعت نمی‌تواند پذیرفت و افلاک را قابل خرق و التیام نمی‌داند. خواجه طوسی هم عدم انخراق افلاک را مطرح می‌کند ولی علامه حلی این نظر را نقد می‌کند. پس ابن‌سینا این معراج را از اسرار دین می‌داند که مردم عادی متوجه نمی‌شوند. پس ابن‌سینا معراج را محسوس نمی‌داند در هیچ کدام از دو مرحله معراج؛ از مبدا تا مسجد الاقصی و نیز مرحله دوم.

نظریه ابن‌سینا چند اشکال دارد: ۱. با ظاهر نصوص ناسازگار است؛ ۲. این نوع تفکر معنوی و عنایی، نیاز به آمادگی و ... دارد، در حالی که پیامبر در حال خوابیدن بوده‌اند یعنی عنایت از عالم بالا بوده است و سیر تفکری توسط پیامبر صورت نگرفته است.

مرحوم رفیعی قزوینی با ردّ فرضیه معراج در خواب، به عروج جسمانی و روحانی تأکید دارد. وی جسم پیامبر را در اوج لطافت می‌داند که قابل قیاس با اجسام دیگر نیست و بدن ایشان ظل و سایه نداشته است. (رفیعی قزوینی، ۱۳۶۸: ص ۳۷)

قاضی سعید قمی هم می‌گوید: معراج با جسم شریف و روح قدسی اتفاق افتاده و جسم و نفس و عقل وی هم همگی جسم کل و نفس و عقل کل بوده است. از مسجد الاقصی با نفس مقدس و روح قدسی خود به سدره المنتهی رفت و با عقل قدسی و نور خود به عوالم بالاتر رفت. یعنی وی سه مرحله را در این عروج قائل شده است.

صدرالمآلهین نیز معراج را مخصوص توان جسم نبوی می‌داند و در واقع کسانی که توان تأویل معراج جسمانی را ندارند گفته‌اند معراج مسیر جسمانی است.

ابن عربی با رویکرد عرفانی می‌گوید پیامبر(ص) در این سیر از لواحق مادی و نقایص بدنی در مقام عبودیت پیراست و در آن تصرف نمود (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۷۴) برخی گفته‌اند ابن عربی تعداد معراج را ۲۴ مرتبه دانسته است که با جسد بوده است و بقیه موارد معراج با روح انجام شده است.

سوال و اشکال نهایی در نظریه مشهور این است که آیا عروج در عالم ملکوت اعلی خصوصاً بخشی که جبرئیل هم دیگر توان رفتن نداشته است را می‌توان با جسم یا حتی همین روح فعلی تحلیل کرد و پذیرفت؟

نظرات اساتید حاضر:

استاد رضائزاد: یک جسد عنصری داریم که خود دو قسم است که یک قسم آن حقیقت جسد است، جسد دوم پس از مرگ محفوظ است که در روایات تعبیر به طینت می‌شود.

جسم هم دو نوع است، جسم اول در دنیا است و در عالم برزخ تعبیر به جسم دوم می‌شود که نماد حقیقی عالم مثالی است. این تقسیمات جسم و جسد را بزرگان شیخیه مطرح کرده‌اند. پس چنین تفکیک و تحلیل‌هایی در مورد معاد و معراج از تحلیل‌های امثال شیخیه است. مقاله‌ای در مجله تحقیقات کلامی منتشر می‌شود که نظرات شیخیه و ... را در آن جا مطرح کرده است.

استاد اسدی: این مسئله از مشکلات است و فهم آن روزی هر کس نمی‌شود. معراج و معاد و رجعت یک کلید حل واحدی دارند. یک شأن و موقعیت معنوی فوق العاده‌ای برای رسول خدا(ص) بوده است که در مدت کم معراج‌های متفاوت داشته است معراج هم مرحله‌ای در مجله تحقیقات کلامی منتشر می‌شود و اوج نهایی سفر معنوی یک انسان که ممکن است در معراج واقع شده است.

دیگر اینکه سیر کُرَات چه خصوصیتی داشته است و چه ثمری دارد در حالی که پیامبر در کره زمین است و مرکزیت معنوی محلی است که خود پیامبر(ص) حضور دارند و آیا دیدن ملکوت در رفتن به کهکشان‌های کرات است؟

فهم این موضوع در غایت صعوبت است، کسی که از نظر شایستگی‌های علمی و عملی به این مسئله نزدیک نباشد، درک درستی نخواهد داشت. انسان با ابعاد معنوی و جسم مثالی یک پیچیدگی‌هایی دارد، این‌ها شئوناتی از انسان است. گفته‌اند که نفس انسان در هر عالمی بدنی دارد و هر عالم، بدن خاص خود را دارد.

استاد شهسواری: ظاهراً تفاوتی بین عالم بشری و برین باید پذیرفته شده باشد یعنی با این تحلیل حرکت فکری پیامبر در معراج، توصیف می‌شود. از سوی دیگر وقتی می‌گوییم بهشت همین الآن است یعنی با همین ابزاری دارد می‌بیند با همین بصر مادی می‌بیند ولی درک آن حالت معنوی دارد.

اشکالاتی که مطرح می‌شود وقتی است پیامبر فرد عادی در نظر گرفته شود ولی اگر سطح پیامبر(ص) در نظر گرفته شود این امور، غیر متعارف و غیر عادی نیست.

هادی از بزرگان زبیده در مورد معراج می‌گوید اگر درست باشد جسمانی بوده است یعنی برخی در مورد اصل معراج هم تردیدهایی دارند.

سوالی مطرح است که نظریه روحانی به چه معنی است رؤیا، مرگ یا ...؟ هر تحلیلی بگوییم مشکلاتی دارد، یعنی جدا شدن روح پیامبر در جریان معراج، گونه بوده است؟

تفکر قبل از معراج هم معنی ندارد که پیامبر(ص) آمادگی قبول را داشته باشد. در مورد نقل‌هایی که عایشه با معاویه بوده است باید گفت پیامبر رفتار عادی خود را دارد و رفتارهای معمول خود را انجام می‌دهد و ممکن است قبلاً هم خبر از معراج داشته باشد و رفتار خاصی قبل از آن لازم نیست انجام داده باشند.

استاد رضائزاد: نمونه‌هایی از کرامت نقل می‌شود که شبیه این نوع حرکت‌های جسمی سریع و ... در آن دیده می‌شود.

در چهل حدیث امام، بحث فکر و روابط معنوی آن مشاهده می‌شود. خدایی که حضرت ابراهیم را در آتش نمی‌سوزاند، می‌تواند در معراج هم به صورت جسمانی ببرد، ضرورتی برای تفکیک عوالم و مراحل معراج به این شکل وجود ندارد.

استاد خزائلی: اگر معراج را وجود مثالی حساب کنیم خیلی ظواهر را نمی‌زنیم؛ شود تحلیل کرد مثل نماز جماعت خواندن پیامبر، دیدار ایشان با انبیاء و ... اصل را جسمانی بودن باید گرفت.

استاد زمانی قمشه‌زن؛ ای: ابن عربی در مورد معاد می‌زنیم؛ گوید من هرگز نتوانستم آن را بفهمم. در مورد معراج هم شاه کلید بحث آن است که یک صورت ظاهر دارد که براق آمد و نبی اکرم سوار شدند و به بیت المقدس رفته اند و ممکن است برخی بگویند عرفاً شبیه آن انجام داده‌زن؛ اند و نیازی به مرکب و ... نیست. در حالی که آن زمان برای عرب جاهلی لازم بوده این مطالب با این صورت بیان کرده باشند و جزئیات کاروانهایی که در راه بود و ماجرای شتری که کاروانیان گم کردند را بیان کنند، این جزئیات را پیامبر(ص) پس از معراج فرمودند تا صدق کلام برای مخاطبان آن زمان روشن شود.

اما باید روایات معراج را لحاظ کرد. علامه طباطبایی روایات را به گونه‌زن؛ ای می‌زنیم؛ آورد و تحلیل می‌زنیم؛ کند که در همه مراحل معراج حالت جسمی و روحی توأم بوده است.

استاد اسحاقیان: اشکالاتی که به نظر مشهور مطرح شد وارد نیست زیرا در عالمی که زمان و مکان و حرکت فیزیکی مطرح نیست، مشاهده حوادث آینده یا حرکت در جهت‌زن؛ های مختلف ممکن است، در آنجا محدودیت‌زن؛ های فیزیکی مادی نیست و چه اشکالی دارد که همین جسم در عالم و فضای غیرمادی عروج و حرکت داشته باشد و حوادثی را ببیند که ظاهراً مربوط به آینده است ولی آینده نسبت به عالم مادی و فیزیکی است و جمع این حوادث مشکلی ندارد نظیر این که حرکت یک جسم در خط و یک بعد می تواند از منظر چند بعدی و حجمی یک حرکت در حجم و عمق هم باشد ؛ ضمن این که در نظر گرفتن قدرت الهی هم مهم است.

استاد میرزائی: ظواهر نصوص را هم باید توجه کرد که در معراج بحث بالا رفتن عمودی و ... مطرح شده است.